



# بانک ملی ایران

نام مقاله :

محروم ساختن مجرمان از عواید حاصل از جرم

تهیه کننده : علیرضا قراگزلو

پست سازمانی: کارشناس ارزی

محل خدمت : اداره کل مبارزه با پولشویی

سال تهیه : ۱۳۹۴

## محروم ساختن مجرمان از عواید حاصل از جرم

مصادره<sup>۱</sup> به معنای محروم‌سازی دائمی از عواید حاصل از جرم<sup>۲</sup> یا اموالی می‌باشد که ارزشی برابر<sup>۳</sup> با آن عواید را دارد و بر این اصل بنیان نهاده شده است که عواید حاصل از جرم باید ضبط<sup>۴</sup> گردد. مصادره جزای نقدی<sup>۵</sup> نیست و یک فرد محکوم نباید از اعمال مجرمانه خود سود ببرد. کتاب راهنمایهای قانونی برای پیاده‌سازی مفاد کنوانسیون مقابله با جرم سازمان یافته فراملی و پروتکل های الحاقی آن<sup>۶</sup> بیان می‌دارد: "جرم‌انگاری اعمالی که منافع نامشروع حاصل آن است به اندازه کافی گروه‌های سازمان‌یافته جنایی را مجازات نمی‌کند و مانع از اعمال آنان نمی‌گردد. حتی در صورت دستگیری و محکومیت، برخی از این مجرمان قادر خواهند بود از دستاوردهای غیرقانونی خود برای استفاده شخصی و ادامه حیات شرکتهای جنایی خود بهره ببرند ... اقدامات عملی برای دور نگاه داشتن مجرمان از منافع خلافاکاریهای خود ضرورت دارد. یکی از مهمترین شیوه‌ها، داشتن نظام‌های قوی مصادره داراییها از سوی دولتها است."<sup>۷</sup>

اخیراً، برخی از کشورها قوانینی را وضع کرده‌اند که مصادره عواید حاصل از جرم را اجازه می‌دهد، در حالیکه تعدادی از کشورهای دیگر در حال اصلاح قوانین جزایی داخلی خود می‌باشند. شماری از کنوانسیون‌های بین‌المللی کشورهای متعاقد را موظف می‌سازند قوانینی در مورد مصادره عواید حاصل از جرم وضع نمایند ( ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۸ مقابله با مواد مخدر وین؛ ماده ۱۲ کنوانسیون پالمو؛ ماده ۳۱ کنوانسیون مقابله با فساد؛ ماده ۸ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم). در مورد جرایم شدید نظیر جرایم مواد مخدر، جرم سازمان‌یافته، فساد اداری و تأمین مالی تروریسم، اقدامات داخلی کشورها در خصوص مصادره عواید حاصل از جرم بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی اهمیت بیشتری می‌یابد.

1 Confiscation.

2 Proceeds of crime.

3 Corresponding value.

4 Forfeit.

5 Penalty.

6 Legislative Guides For The Implementation Of The United Nations Convention Against Transnational Organized Crime And The Protocols Thereto, United Nations, 2004.

7 Ibid., pp. 140-141.

مصادره دارایی‌ها امری پیچیده است و صرف زمان زیاد، پول، و افراد متخصص را می‌طلبد تا به تحقیق بپردازند و ارزش عواید حاصل از جرم و داراییها را که ارزش برابر با آن عواید دارند و قابل ضبط هستند، مشخص سازند. در این زمینه، بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند نظامهای داخلی مصادره را پیاده نمایند. شورای اروپا در خصوص جرایم سازمان‌یافته بیان می‌دارد: "عواید حاصل از جرم به ندرت در دسترس دادگاهها یا دولت‌ها قرار می‌گیرد. آنچه از سوی واحدهای اطلاعات مالی یا نهادهای دیگر مورد تحقیق قرار نگرفته باشد، شاید هرگز فاش نگردد؛ زیرا بازسازی جریان مالی از جرایم مدتها پس از وقوع آنها بسیار مشکل است و برگشت پول بسیار مشکل تر ... صرف وضع قوانین ... فی‌نفسه بازپس‌گیری عواید حاصل از جرم از مجرمان و اشخاص ثالث را افزایش اساسی نمی‌دهد. تنها در صورت کشف داراییهای مصرف نشده و انتساب مالکیت یا کنترل آنها به کسی که علیه او حکمی بتوان صادر کرد، میزان بازپس‌گیریها افزایش می‌یابد"<sup>8</sup>. تخصیص منابع و برنامه‌های آموزشی فشرده برای آنانکه درگیر در تحقیق عواید حاصل از جرم می‌باشند، ضرورت دارد. شاید لازم باشد واحدهای خاص یا تیم‌هایی تأسیس گردند تا تحقیقات را به انجام رسانند. تیم‌ها می‌توانند شامل اعضای بخش‌های مختلف سیستم قضایی، دادستانی، پلیس، حسابرسان و حسابداران قانونی باشند.

پیاده‌سازی یک نظام مصادره احتمالاً اقدامات بیشتری را می‌طلبد. اولاً، قوانین دادرسی کیفری باید به نحوی اصلاح شوند که پلیس و دادستانی اجازه داشته باشند اطلاعات عملیات بانکی یک شخص محکوم و مانده حسابهای وی در یک بانک را بدست آورند. ماده ۱۲(۶) کنوانسیون مقابله با جرم سازمان یافته فراملی از دول متعاقد می‌خواهد: "به دادگاههای خود یا مقامات صلاحیتدار دیگر اختیار دهند تا بانکها را ملزم سازند سوابق مالی یا تجاری مورد درخواست را در دسترس آنان قرار دهند یا بتوانند دارایی‌ها را توقیف کنند. دول عضو نباید بخاطر رازداری بانکی از انجام چنین امری سرباز زنند". ماده ۳۱ (۷) کنوانسیون مقابله با فساد اداری تعهد مشابهی را مقرر می‌دارد. کتاب راهنمایهای قانونی برای پیاده‌سازی مفاد کنوانسیون مقابله با جرم سازمان یافته فراملی و پروتکل های الحاقی آن (صفحه ۱۲۳) بیان می‌دارد: "سوابق مالی" شامل خدمات شرکت‌های مالی، "سوابق تجاری" شامل معاملات مستغلات و "سوابق خطوط کشتیرانی" شامل واسطه‌گران حمل کالا و بیمه‌گران هم می‌شود.

ثانیاً، تغییرات در قوانین بانکداری داخلی در صورت لزوم باید اعمال گردد. ماده ۵۲ کنوانسیون مقابله با فساد اداری لزوم اصلاحات وسیعی بیان داشته و خواهان آن است که موسسات مالی

<sup>8</sup> Combating Organized Crime: Best Practice Surveys of the Councils of Europe, p. 46.

هویت مشتریان خود را بشناسند، گامهای معقولی در تعیین مالکان اصلی وجوه کلان سپرده- گذاری شده در حسابها بعمل آورند، در خصوص برخی حسابها بررسی دقیق و گسترده‌ای داشته باشند، و سوابق کافی از عملیات مالی را نگهداری کنند.

ثالثاً، جهت اداره عواید و اموال مصادره شده اتخاذ ترتیباتی ضرورت دارد. مقررات مربوطه باید مشخص سازد چه کسی مسئول گرفتن و نگهداری اموال مصادره شده می‌باشد، این اموال در کجا باید نگاهداری شوند، و در خصوص اموال چه اقداماتی باید به عمل آید. ماده ۳۱(۳) کنوانسیون مقابله با فساد اداری و ماده ۱۴ کنوانسیون مقابله با جرم سازمان یافته فراملی مقرر می‌دارند که دول عضو باید مقررات اداره و مصرف اموال مصادره شده را تنظیم نمایند، مسئله چگونگی استفاده از عواید و اموال مصادره شده اهمیت دارد. در برخی کشورها، عواید و اموال مصادره شده به قربانیان جرم تعلق می‌گیرد. کتاب راهنمایهای قانونی برای پیاده‌سازی مفاد کنوانسیون مقابله با جرم سازمان یافته فراملی و پروتکل های الحاقی آن بیان می‌دارد: "هدف اصلی اغلب سیستم‌های مصادره، بازگرداندن اموال اخذ شده از جنایتکاران به قربانیان جرم می‌باشد. در قوانین داخلی باید ترتیباتی وضع گردد که کشورها بتوانند اموال مصادره شده را با قربانیان داخلی و خارجی تسهیم نمایند" (صفحه ۱۵۲). ماده ۵۷ کنوانسیون مقابله با فساد اداری مقرر می‌دارد که اموال مصادره شده باید به صاحب قانونی اولیه عودت داده شوند.

مصادره از توقیف<sup>۹</sup> و انستداد<sup>۱۰</sup> متمایز است. در انستداد و توقیف شخص بطور موقت از امکان انتقال، تبدیل، مصرف یا جابجایی اموال یا "امتیازات اقتصادی" خود محروم می‌گردد. احتمالاً اموال شخصی که مورد مصادره قرار می‌گیرد، پیشتر ضبط گردیده است. معمولاً در خلال تحقیقات در مورد یک جرم جزایی و پس از تقاضای دادستان از دادگاه، اموال ضبط می‌شوند.

### مصادره اموال ناشی از جرم بدون توجه به شخصیت مرتکب جرم<sup>۱۱</sup>

هم اکنون مصادره اموال ناشی از جرم بدون توجه به شخصیت مرتکب جرم بعنوان سلاحی در مبارزه با جرم سازمان یافته، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و فساد اداری بکار می‌رود. روند کنونی در کشورها، وضع قوانینی در خصوص مصادره و ضبط می‌باشد و برخلاف گذشته که

<sup>9</sup> Seizure.

<sup>10</sup> Freezing.

<sup>11</sup> Civil forfeiture of criminal property.

بطور سنتی از طریق دادرسی جزایی صورت می‌پذیرفت، از طریق دادرسی مدنی اعمال می‌گردد.

کشورهای دارای سیستم حقوق عرفی<sup>۱۲</sup>، مجازات قدیمی مصادره کلی را که برای خائنین به کشور و تبهکاران در نظر گرفته می‌شد فسخ کرده و مصادره به مفهوم جدید خود پا به عرصه وجود گذاشته است. مصادره کلی که یک خائن به کشور یا تبهکار را از تمام اموال شخصی خود (و گاهی دارایی غیر منقول او) محروم می‌ساخت، آشکارا یک مجازات نامتناسب علیه مجرم و اعضای خانواده او محسوب می‌شود و با اهداف اعاده اعتبار و بازگشت مجرم به جامعه منافات دارد.

قوانین جدید مصادره بر مجازات افراد بخاطر خطاهای گذشته تاکید زیادی ندارد، بلکه متمایل به عدالت جزایی خاص می‌باشد که شامل گرفتن درآمدهای نامشروع از مجرمان، ناتوان ساختن توانایی مالی سازمانهای تبهکاری، و جبران خسارت قربانیان جرم است. این قوانین واکنشی به پیچیدگی روز افزون "جرایم با انگیزه کسب سود"<sup>۱۳</sup> می‌باشد که از مرز کشورها عبور کرده و از هر ابزار جدیدی استفاده می‌نماید تا ردپای درآمد ناشی از جرم را گم کند. در جوامع جدید، نوعاً قوانین شکلی و ماهوی نیز وجود دارد که اموال مشروع افراد را از تعرض بی مورد مصون می‌دارد.

نشان شناسایی مصادره مدنی<sup>۱۴</sup> در ویژگی "بدون توجه به شخصیت مرتکب جرم"<sup>۱۵</sup> آن نهفته است که در تمام مراحل دادرسی، از ارائه دادخواست تا اجرای حکم، وجود دارد. مصادره مدنی همچنین شاخه‌ای از حقوق عمومی به شمار می‌رود، زیرا همواره دولت است که پی قانونگذاری با محتوای عمومی، اموال خصوصی را مصادره می‌نماید؛ دادرسی علیه اموال نیز به شمار می‌رود و به مالک اموال ارتباط پیدا نمی‌کند. در حالیکه اختاریه جهت اشخاص ذینفع در اموال نیز صادر می‌گردد، معمولاً اموال مصادره شده مورد اعتراض قرار نمی‌گیرند.

زمانیکه دولتها شروع به وضع قوانین در خصوص مصادره با مفهوم جدید کردند، عموماً در محدوده حقوق جزا این امر تحقق پذیرفت. در گذشته، مصادره بخشی از یک مجازات بود که محکوم تحمل می‌کرد در حالیکه مصادره مدنی علیه اموال مرتبط با جرم صورت می‌پذیرد. مصادره جزایی<sup>۱۶</sup> با شخصیت مجرم

<sup>12</sup> common law.

<sup>13</sup> Profit-motivated crime.

<sup>14</sup> civil forfeiture.

<sup>15</sup> *In rem* character.

<sup>16</sup> criminal forfeiture.

ارتباط دارد و می‌تواند در اشکال مصادره اموال مجرم<sup>۱۷</sup> یا جزای نقدی<sup>۱۸</sup> انجام پذیرد. ترکیبی از هر دو نوع مصادره نیز امکان‌پذیر است.

تجربه مصادره جزایی در بسیاری از حوزه‌های قضایی، محدودیت‌های ذاتی آن را در رسیدن به اهداف خود آشکار ساخته و روند محکومیت در ضبط تمام عواید حاصل از جرم رضایت بخش نبوده است. برای رسیدن به هدف مطلوب در مصادره جزایی لازم است که مدرک لازم در خصوص ارتباط دارایی با یک فرد بلند پایه در یک سازمان تبهکاری موجود باشد. اضافه نمودن ابعاد مالی به تحقیقات مقدماتی و تعقیب، مستلزم وجود ادله اثبات است.

مصادره مدنی در پاسخ به نقایص مدل مصادره جزایی پدیدار گشت و دومین نسل از قوانین جدید مصادره به شمار می‌آید. خصوصیت متوجه اموال در مصادره مدنی، نیاز به اثبات گناهکاری فرد را مرتفع می‌سازد و آشکارا برای سیاستمداران دارای جاذبه است.

رسیدن به همان اهداف مصادره جزایی اما بدون حمایت‌های قانونی از حقوق متهم و مسائل حقوق بشری که در دادرسی جزایی وجود دارد انتقادی است که به مصادره مدنی نیز گرفته می‌شود. بدون شک مصادره مدنی اساساً درآمد دولت را افزایش می‌دهد، اما لزوماً به معنای رسیدن به اهداف نیست. مصادره جزایی به حیات خود ادامه می‌دهد و هر دو نظام باید با هم کار کنند تا تلاشها هماهنگ گردند و نقایص هر طرف از سوی طرف دیگر پوشش داده شود.<sup>۱۹</sup>

### سابقه مصادره اموال<sup>۲۰</sup> در ایالات متحده

مصادره اموال بعنوان یک ابزار قانونی در دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده دارای برجستگی گردید. در ابتدای آن دهه، وزارت دادگستری سالانه تقریباً مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار اموال ناشی از جرم را مصادره می‌نمود که غالباً در ارتباط با مواد مخدر بود. در انتهای دهه ۱۹۹۰، سالانه بیش از ۶۰۰ میلیون دلار اموال مرتبط با انواع مختلف جرایم شدید مصادره شد.

بطور خلاصه، در دهه گذشته مصادره اموال بعنوان یک سلاح اساسی وارد زرادخانه مجریان قانون فدرال در ایالات متحده شد. اما قوانین، فرایندها و سیاستهایی که حاکم بر اعمال قوانین مصادره هستند تنها به قانونگذاری کنگره محدود نمی‌گردد. مصادره اموال در ایالات متحده به حقوق عرفی انگلستان باز می‌گردد. اولین کنگره، در سال ۱۷۸۹، قوانینی به تصویب رساند که

17 Confiscation.

18 penalty order.

19 Simon N.M. Young, Civil Forfeiture of Criminal Property, 2009, pp. 1-15.

20 Asset forfeiture.

توقیف و ضبط کشتی‌ها و محموله‌های مرتبط با جرایم گمرکی را اجازه می‌داد. قوانین بعدی، مصادره کشتی‌های مرتبط با دزدی دریایی و حمل برده را مجاز ساخت.

تمامی این قوانین اولیه به دولت اجازه می‌داد از طریق مطرح ساختن یک دعوی حقوقی علیه اموال، آنها را مصادره نماید؛ این دعاوی متوجه مالک اموال نبود. به عبارت دیگر، دولت می‌توانست علیه اموال اقدام نماید بدون اینکه منتظر بماند تا مالک اموال شناسایی، بازداشت و محکوم گردد. این مفهوم، اموال را متخلف می‌شناخت و آن را می‌توان نظیر یک دعوی حقوقی دانست که خوانده آن، مال باشد.

در قضایای قاچاق مواد مخدر، دزدی دریایی و حمل برده، کشتی یا محموله آن در حوزه قضایی ایالات متحده یافت می‌شد، اما مالک اموال یا در خارج بود یا اینکه هرگز پیدا نمی‌شد. تنها از طریق اقامه دعوی علیه اموال بود که دولت می‌توانست امیدوار باشد دوباره این اموال برای ارتکاب جرم دیگری مورد استفاده قرار نگیرد.

اقدام علیه اموال بدین معناست که نقش مالک در ارتکاب جرم بی ارتباط می‌شود. نه تنها لزومی نداشت که مالک برای ارتکاب جرم محکوم شود، بلکه بعلاوه اینکه خود اموال متخلف شناخته می‌شد، لزومی نداشت که اثبات شود مالک در جرم نقش داشته است. کافی بود که نشان داده شود "یک نفر" مرتکب جرم گشته و اموال مورد نظر برای ارتکاب آن جرم مورد استفاده قرار گرفته است.

تا اواسط قرن بیستم، کنگره ایالات متحده قوانینی را به تصویب رسانیده بود که حوزه مصادره اموال مرتبط با جرایم را وسیع‌تر می‌کرد که شامل جعل، قمار، قاچاق اتباع خارجی و مواد مخدر می‌گشت. در ابتدا، قوانین مصادره به موازات قوانین اولیه مربوط به گمرک، دزدی دریایی و درآمد شغل بود. توسعه چشمگیر قوانین مصادره در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۴ بوقوع پیوست که کنگره قوانین مصادره در خصوص مواد مخدر را اصلاح نمود؛ ابتدا مصادره عواید حاصل از جرم مجاز گشت و سپس مصادره اموال تسهیل‌کننده جرم اجازه داده شد.

نظریه مصادره عواید حاصل از جرم کاملاً جدید بود، و مصادره اموال تسهیل‌کننده بدین معنا بود که دولت می‌توانست نه تنها ابزار مورد استفاده در جرم را ضبط نماید، نظیر اتومبیل مورد استفاده در حمل قاچاق، بلکه دولت توانست اموالی که ارتکاب جرم را آسان‌تر و کشف آن را سخت‌تر می‌نمود نیز مصادره کند. بعنوان مثال، دولت از نظریه تسهیل‌کنندگی استفاده می‌کرد تا محل وقوع جرم را مصادره نماید: مانند ساختمانی که مواد مخدر در آنجا نگهداری می‌شد، یا

پولشویی در آنجا انجام می‌گرفت، یا قماربازی در آنجا انجام می‌شد. امروزه، دادگاهها بیشتر از اصطلاح "اموال تسهیل کننده" بجای "ابزار جرم" استفاده می‌کنند.

در اغلب کشورها، قوانین مصادره اموال اطلاق عام دارند و به دادگاه اجازه می‌دهند حکم مصادره "تمام عواید حاصل از جرم" (اغلب شامل جرایم خارجی) و هر گونه دارایی "مورد استفاده در ارتکاب یا تسهیل جرم" را صادر نمایند. اگرچه، بدلیل اینکه قوانین مصادره اموال در ایالات متحده در طی یک دوره طولانی و به تدریج بوجود آمده‌اند، صورت کلی ندارند. در برخی جرایم، کنگره اجازه مصادره نداده است، برای برخی دیگر تنها عواید حاصل از جرم می‌تواند مصادره شود، یا تنها ابزار ارتکاب جرم مصادره می‌گردد. برخی از قوانین مصادره اموال مرتبط با جرم را اجازه می‌دهند، یا اموالی که قدرت اقتصادی به یک سازمان جنایی می‌دهد. نهایتاً، قوانینی وضع گردیده‌اند که مصادره کلیه اموال مجرم را اجازه می‌دهند.

قانون فدرال سه نوع دادرسی را پیش‌بینی نموده است: مصادره اجرایی (administrative forfeiture)، مصادره مدنی (civil forfeiture) و مصادره جزایی (criminal forfeiture). اولین مورد تنها به قضایای غیر قابل تردید مربوط می‌شود که از سوی ضابطان قانون فدرال بعنوان یک نهاد اجرایی یا "غیر قضایی" بدون دخالت دادستان یا دادگاه به مورد اجرا درمی‌آید. در مقابل، مصادره مدنی و مصادره جزایی، مسائل قضایی هستند و مستلزم اقامه دعوی در یک دادگاه فدرال می‌باشند؛ چنانچه دولت در دادگاه پیروز گردد، مالکیت اموال مورد بحث با حکم دادگاه به دولت منتقل می‌شود.

در مصادره مدنی، دولت باید تنها اثبات نماید که جرم بوقوع پیوسته است و اموال مورد بحث از آن جرم ناشی شده یا در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته است. در مقابل، در مصادره جزایی، دولت باید اثبات نماید که جرم به وقوع پیوسته و خواننده مرتکب جرم گشته است. مصادره مدنی، هنگامی که دولت در صدد مصادره اموال یک فراری یا یک خواننده است که فوت شده، اهمیت می‌یابد. همچنین جهت احقاق حق قربانیان جرم نیز کاربرد دارد و دولت به نیابت از قربانیان می‌تواند جبران خسارت نماید.<sup>21</sup>

<sup>21</sup> Simon N.M. Young, Civil Forfeiture of Criminal Property, 2009, pp. 23-67.



## ضبط، مصادره و استرداد اموال در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

"دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجراء شود."

در عمل عنوان "استرداد" در بیشتر موارد جای خود را به عنوان "مصادره" داده است و این واقعیت از سطح تغییر ادبی فراتر رفته و آراء صادره از مراجع قضایی انقلاب از دید ماهوی بیشتر واجد جنبه مصادره گشته است. در ادبیات قضایی، گاهی استرداد یا مسترد گشتن مال به اعاده مال مصادره‌ای که در نتیجه صدور حکم رفع مصادره به وقوع می‌پیوندد، به محکوم علیه قبلی (و محکوم له حکم رفع مصادره) اطلاق گشته است.<sup>۲۲</sup>

عناوین ضبط، مصادره و استرداد در قوانین متعدد بعد از انقلاب با اهداف متنوع تصویب گشته‌اند؛ در قوانین پیش از انقلاب نیز چنین عناوینی وجود دارند. در کنار این عناوین، عنوان‌های دیگری مانند "تملیک" و "تعزیر مالی" قرار دارند. در خصوص ضبط و مصادره نظریات مختلفی ارائه گردیده است. عده‌ای اعتقاد دارند چنانچه مجازات مالی نسبت به بخشی از اموال باشد واژه ضبط قابلیت استناد دارد و چنانچه راجع به تمامی اموال باشد مصادره نامیده می‌شود؛ عده‌ای دیگر معتقد هستند ضبط و مصادره ماهیتاً واحد است و تنها تفاوت در آن است که هر گاه این ضمانت اجرا در مرحله تحقیقات باشد ضبط و اگر در مرحله صدور حکم باشد مصادره نامیده می‌شود؛ دسته‌ای دیگر بر این عقیده هستند که ضبط ناظر به آلات جرم است و مصادره اموال ناظر به اموال جرم، یعنی اگر حکم به نگهداری موقت یا دائم آلت جرم مانند سلاح یا دستگاه جعل اسکناس داده شود قواعد ضبط بر آن حاکم است و چنانچه این حکم ناظر بر اموال تحصیل شده از جرم باشد قواعد مصادره به آن حاکم می‌شود.

مصادره در حقوق جزای فرانسه به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود:

<sup>۲۲</sup> محمد وزین کریمیان، سرپرستی و مصادره اموال در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه آموزشی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۵.

۱- مصادره خاص<sup>۲۳</sup>: یک نوع مجازات تکمیلی اجباری است که به آلات و ادوات بکار رفته در جرم یا اموال و اشیائی که موضوع جرم بوده یا به ارتکاب جرم اختصاص یافته یا از جرم ناشی شده تعلق می‌گیرد. حکم این موضوع در مواد ۲۱ و ۱۳۱ قانون مجازات عمومی فرانسه مصوب ۱۹۹۲ بیان شده است. بموجب این ماده، آلات و ادوات جرم یا اشیاء و لوازم مذکور به نفع دولت یا شخص ثالث ضبط می‌شود. ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، که بازنویس ماده ۹ قانون مجازات عمومی و متخذ از قانون فرانسه است، نیز به همین موضوع اختصاص یافته و مقرر می‌دارد: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد...» در فراز آخر ماده مقرر شده: «... دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیاء و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده، حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.» با مقایسه متن مواد ۲۱ و ۱۳۱ قانون فرانسه، و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسیم که در قانون فرانسه، ضابطه معدوم نمودن اشیاء مشخص شده و چنانچه خطرناک یا زیانبار باشند، دادگاه حکم به معدوم شدن آنها می‌دهد؛ ولی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، ضابطه‌ای به دست نداده است. در مواد ۲۱ و ۱۳۱ قانون جزای فرانسه، ضبط اشیاء و اموال به قانون محول شده و اضافه کرده است که چنانچه اشیای مذکور به دست نیامده یا کشف نشده باشند، قیمت آنها از مجرم اخذ می‌شود. به هر حال، حقوق عینی قانونی اشخاص ثالث نسبت به آن اشیاء محفوظ خواهد ماند. در ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی نیز اشیائی که باید معدوم یا ضبط شوند، مشخص شده است و ضابطه‌هایی که در این ماده قید شده آن است که وجود آلات و ادوات جرم یا حاصل شده از جرم، مخل نظم عمومی یا آسایش مردم باشد. در قوانین مختلف مانند قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۵۰ و ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۴، مصادره سلاح و مهمات قاچاق و محصولات صیادی را در صورتی که

<sup>23</sup> Confiscation Speciale.

شناور صیادی خارجی باشد و بدون کسب پروانه اقدام به صید کنند و محصولات صیادی و پرورشی و حاصل فروش آنها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار را در صورت تکرار جرم از طرف اتباع ایرانی به صورت اختیاری قابل مصادره دانسته است. لایحه قانونی مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸، و ماده ۱۴ از قانون شکار و صید، تور ماهیگیری، وسایل شکار و صید، نورافکن، دوربین چشمی، تور، قلاب ماهیگیری و آلات و ادوات صید غیر مجاز را قابل مصادره دانسته است. به طور کلی برای تشخیص قابلیت ضبط و استرداد یا معدوم نمودن آلات و ادوات جرم یا ناشی از جرم یا به کار رفته و اختصاص یافته در حین جرم، باید حسب مورد به ماده قانونی مربوط به هر جرم رجوع کرد. بدیهی است در موارد مشکوک جز اشیا که مشمول عنوان کلی مذکور در ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی است، اصل بر مشروعیت اشیا و لوازم بوده و باید به صاحبانشان مسترد گردد.

۲- مصادره عام<sup>۲۴</sup>: مصادره عام نیز یک مجازات تنمیمی یا تکمیلی است، ولی از نوع اختیاری که به اموال محکوم علیه به ارتکاب جنایت تعلق می‌گیرد. این مجازات در طول دو قرن گذشته در فرانسه دستخوش تغییر و تحولاتی قرار گرفته و گاهی الغاء و سپس برقرار گردیده است. مصادره عام گاهی کلیه اموال محکوم علیه را شامل می‌شود که به آن مصادره کلی<sup>۲۵</sup> می‌گویند و زمانی به جزیی از اموال محکوم علیه تعلق می‌گیرد که مصادره جزیی<sup>۲۶</sup> نامیده می‌شود. مصادره اموال در مورد کسانی که مرتکب جرایم علیه بشریت (۱ - ۲۱۳) می‌شوند، یا قاچاقچیان عمده مواد مخدر (۴۹ - ۲۲۲) به صورت کلی یا جزیی و به صورت اختیاری توسط دادگاهها اعمال می‌شود. اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به طور مستقل مصادره اموال انباشته شده از ربا، دایر کردن قمار، غصب، سرقت، اختلاس و ارتشا و ... را به عهده دولت گذاشته که باید با رسیدگی دقیق قضایی انجام شود. در بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۵ و بند ۶ ماده ۸ و تبصره یک قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۰ نیز، مصادره کلی اموال قاچاقچیان عمده به استثنای هزینه متعارف خانواده پیش‌بینی شده است. همچنین در ماده ۲ قانون اخلال گران اقتصادی کشور، مصادره کلیه اموال مقرر گردیده است. این نوع مصادره یک مجازات مالی به منظور پیش‌گیری از قاچاق عمده مواد مخدر و به کار انداختن سرمایه در فعالیتهای فسادانگیز قاچاق هروئین و تریاک و یا قاچاق عمده کالای مورد نیاز به قصد

<sup>24</sup> Confiscation generale.

<sup>25</sup> Confiscation totale.

<sup>26</sup> Confiscation partielle.

مقابله با نظام، با علم به مؤثر بودن اقدام، در مقابله با نظام در حد افساد فی الارض است. مصادره اموال بزهکاران بویژه کسانی که از راه نامشروع به ثروتهای کلان دست یافته‌اند، مجازاتی مؤثر و عادلانه است؛ لیکن آثار محکومیت، خانواده و کسان دیگر محکوم علیه را متأثر می‌سازد. مصادره به دو نوع اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود که در قوانین مختلف، نیز این دو نوع مصادره به خوبی مشهود است. از موارد اختیاری بودن مصادره که قانون، دادگاه را مخیر به ضبط آلات و ادوات جرم دانسته، ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی است که در صورت تکرار جرم، دادگاه می‌تواند آلات و ادوات به کار رفته را مصادره کند. نکته جالبی که در این ماده به طور عیان مشهود است، به کاربردن کلمه «مصادره» به جای «ضبط» است.<sup>۲۷</sup>

با اینکه در قانون مجازات اسلامی و قوانین متفرقه از جمله قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ربا (ماده ۵۹۵)، سرقت (مواد ۶۵۱ تا ۶۶۶)، ارتشا و اختلاس (مواد ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مذکور) و (مواد ۵۸۸ و ۵۹۳)، قمار (مواد ۷۰۵ تا ۷۰۷) قانون مجازات اسلامی، تحصیل مالی که فاقد مشروعیت قانونی است (ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری) پیش‌بینی شده و تکلیف اموال موضوع رشوه، ربا، سرقت، اختلاس و غیره و ضبط یا استرداد آن به ذی‌حق مشخص گردیده است؛ لیکن موضوع اصل ۴۹، جرایم مذکور به صورت موردی نیست، بلکه رسیدگی به ثروتهایی است که از طرق نامشروع به دست آمده است. بدیهی است چنانچه در جریان رسیدگی به ثروتهای نامشروع موضوع اصل ۴۹، دادگاه به جرایمی مانند رشوه و اختلاس و غیره برخورد نماید، به آن جنبه نیز رسیدگی خواهد نمود. رسیدگی به جرایم مذکور حسب مورد در صلاحیت مراجع عمومی یا بعضاً اختصاصی است. مصادره اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به آن کیفیتی که به طور خلاصه بیان گردید، مجازات خاصی است که نوعاً دادگاه به تبع امر کیفری حکم به آن صادر نمی‌کند تا به عنوان مجازات تتمیمی یا تکمیلی مطرح شود؛ هر چند از سیاق قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در بعضی از موارد، بخصوص آنجا که اصل جرایم مورد بحث در آن اصل مطرح شود، عنوان مجازات تتمیمی و مصادره خاص را پیدا خواهد کرد. فرضاً ثروتهای ناشی از ربای کسی، در دادگاه انقلاب اسلامی مورد رسیدگی واقع شود و در خلال رسیدگی، ربا دهندگان به دادگاه مراجعه و با طرح دعوا و تعیین مبالغ دریافتی و بهره پرداختی، مدعی حقوق خود شوند. دادگاه همه موارد را یک به یک با شکایت شاکیان

<sup>۲۷</sup> رضا فرج‌اللهی، بررسی و تحلیل رأی وحدت رویه رأی ۶۲۵ - ۱۳۷۷/۷/۸، قابل دسترس در:

بررسی و حکم به استرداد وجوه دریافتی به ربادهندگان صادر می‌کند؛ در این فرض، اموال فرد رباخوار مصادره و به صاحبان حق برگردانده می‌شود و دادگاه طبق ماده ۵۹۵ ق.م. حکم به مجازات متهم صادر می‌کند. این مصادره از نوع خاص و اجباری خواهد بود، لیکن چنانچه ثروتهای مالک یک کازینو که محل قمار بوده مصادره شود، متهم به عنوان دایر کردن محل قمار، طبق ماده ۷۰۸ قانون مجازات اسلامی محکوم شده و مصادره عام خواهد بود.<sup>۲۸</sup>

با این تفاسیر، جای خالی مفهوم حقوقی مصادره بدون توجه به شخصیت مرتکب جرم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در کنار انواع مصادره با توجه به شخصیت مرتکب جرم مشهود است. وارد شدن این تاسیس حقوقی جدید در نظام حقوقی ایران بسیاری از موانع موجود بر سر راه متولیان مبارزه با جرایم را برمی‌دارد. سردار حسین آبادی، رئیس پلیس وقت مبارزه با مواد مخدر، در اولین همایش هم‌اندیشی مبارزه با مواد مخدر و پولشویی در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۱۰ اظهار داشت: "سالانه در کشور، خودرو و اموال قاچاقچیان توقیف می‌گردد که بعضاً با استفاده از وکلاء و مبیعه‌نامه‌ها و اسناد صوری با مراجعه به محاکم اموال و داراییهای خود را بازپس می‌گیرند."

منابع:

- United Nations, 2004, Legislative Guide for the Implementation of the United Nations Convention against Transnational Organized Crime and the Protocols Thereto, New York: United Nations.
  - The Council of Europe, 2004, Combating Organized Crime- Best Practice Surveys of the Councils of Europe, Strasbourg: The Council of Europe.
  - Young, Simon N.M., 2009, Civil Forfeiture of Criminal Property, London: Elgard Publishing.
- کریمیان، محمد وزین، ۱۳۷۴، سرپرستی و مصادره اموال در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه آموزشی کارشناسی ارشد حقوق عمومی.
- فرج‌اللهی، رضا، بررسی و تحلیل رأی وحدت رویه رأی ۶۲۵ - ۱۳۷۷/۷/۸، قابل دسترس در: <http://judge.blogsky.com/1384/11/19/post-9/>